

رابطه سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی با کمال‌گرایی در زنان

سمیه غنیمتی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی.

نام نویسنده مسئول:

سمیه غنیمتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۹

چکیده

مقدمه: سبک دلبستگی یکی از عوامل شخصی است که بر همسازی و ناهمسازی زناشویی تأثیر گذاشته و زنان مجموعه‌ای هستند که در این نوع سازه‌ها عملکرد بهتری از خود نشان داده‌اند. هدف این مطالعه بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی با کمال‌گرایی در زنان بود. **روش‌شناسی:** این مطالعه به روش توصیفی - همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل زنان شهر قم که به صورت داوطلب و به صورت در دسترس با نمونه ۲۷۷ نفر، شرکت کردند. ابزار اندازه‌گیری شامل سه پرسش‌نامه استاندارد «سبک‌های دلبستگی»، «کمال‌گرایی» و «سازگاری زناشویی» با روایی و پایایی مطلوب بود. **یافته‌ها:** بین سبک‌های دلبستگی با سازگاری زناشویی و کمال‌گرایی رابطه معناداری، وجود دارد. بین سبک‌های دلبستگی با سازگاری زناشویی و کمال‌گرایی در زنان ۰/۴۰ همبستگی چندگانه وجود داشته و سازگاری زناشویی و کمال‌گرایی قادرند به میزان ۱۶ درصد، از تغییرات جهت‌گیری مذهبی در زنان را تبیین کنند. ضرایب بتای مدل معنادار بوده و مقیاس سازگاری زناشویی، با بتای ۱۷ درصد و مقیاس کمال‌گرایی با بتای ۱۳ درصد، توسط سبک‌های زندگی در زنان، پیش‌بینی قابل پیش‌بینی است. **نتیجه‌گیری:** یافته‌های این مطالعه نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی و کمال‌گرایی در زنان رابطه معناداری وجود دارد. در کل تأثیر سازگاری زناشویی نسبت به کمال‌گرایی در تغییرات سبک‌های دلبستگی، بیشتر است. بنابراین برنامه‌ریزان برنامه‌های آموزشی در آموزش سبک‌های دلبستگی در زنان باید به سازگاری زناشویی توجه بیشتری نمایند.

واژگان کلیدی: سبک‌های دلبستگی، سازگاری زناشویی، کمال‌گرایی، زنان شهر قم.

مقدمه

«سبک دلبستگی» یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعاملات بین فردی است که در دوران کودکی شکل گرفته و با توجه به محیطی که در آن تحول یافته است، در سنین بعدی ادامه می‌یابد (بالبی، ۱۹۸۸). موضوع دلبستگی از زوایای مختلفی قابل بررسی است. برای نمونه هازنو شیور، درباره دلبستگی و عشق رمانتیک (۱۹۸۷) و درباره دلبستگی و کار و حرفه (۱۹۹۰)، سیمپسون و همکاران درباره دلبستگی و اضطراب آزمایشگاهی (۱۹۹۰)، هروویتز و همکاران درباره دلبستگی و مشکلات بین شخصی (۱۹۹۳)، کوپک و هازن (۱۹۹۱)، درباره دلبستگی و از دواج به پژوهش پرداخته‌اند. سبک دلبستگی یکی از عوامل شخصی است که بر همسازی و ناهمسازی زناشویی تأثیر می‌گذارد به همین دلیل تحقیقات بسیاری درباره آن انجام شده است. قبل از دهه هفتم قرن بیستم، تحقیقات انجام شده در خصوص خانواده، به طور عمده حول محور طلاق و اثرات روانی - اجتماعی آن بر اعضای خانواده متمرکز بود. ولی از این دهه به بعد، توجه محققان به مسأله نارضایتی از زندگی زناشویی و راه‌های افزایش احساس رضایت و شادکامی از زندگی مشترک معطوف شد. این مطالعه در بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی با کمال‌گرایی در والدین، کوشش می‌کند تا زمینه‌های روان شناختی را که به این رضایت‌مندی منتهی می‌شوند را شناسایی کند. با شناخت این زمینه‌ها، می‌توان در سطوح مختلف مداخله کرد. میزان ازدواج‌های با خطر بالا را کاهش داد، بر رضایت و شادکامی ازدواج‌های موجود افزود و از بعضی ناسازگاری‌ها پیشگیری به عمل آورد و از این طریق، از بسیاری از نابسامانی‌های خانوادگی که منجر به هدر رفتن نیروهای عظیم انسانی می‌شود جلوگیری کرد. بررسی‌های قبلی رضایت‌مندی زناشویی به طور کل نشان می‌دهند که وضعیت جنس افراد، پیش‌بینی کننده رضایت‌مندی نمی‌باشد (اسمیت، ۱۹۸۵ به نقل از تابع‌پردبار، ۱۳۸۳). برای نمونه اسمیت (۱۹۹۱)، دریافت که بین رضایت‌مندی زناشویی گروه‌های زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد. با وجود این، فاورز در بررسی رضایت‌مندی زناشویی مشاهده کرد که مردان بیش از زنان، ازدواج خود را با توجه به شاخص‌های مالی، والدینی، خانواده، دوستان و شخصیت همسر خود مثبت‌تر گزارش کرده‌اند. در پژوهش دیگری با عنوان رابطه بین دلبستگی و روش‌های حل تعارض و رضایت زناشویی، که توسط فینی، (۱۹۹۹)، انجام شد، نشان داد که دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی زوجین همبستگی مثبت داشته است. همچنین مذاکره دو جانبه درباره حل تعارض‌ها، مهم‌ترین عامل واحدی بود که رضایت ازدواج را برای زنان و مردان پیش‌بینی می‌کرد. بنابراین در مطالعه حاضر، رابطه سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی با کمال‌گرایی در والدین، بررسی شده است.

مبانی نظری و پیشینه

دلبستگی را می‌توان یک الگوی رفتاری خاص در نظر گرفت که در اکثر جوامع برای رشد سالم اهمیت حیاتی دارد. زمانی دلبستگی مطلوب به وجود می‌آید که در سال اول زندگی کیفیتی متقابل و خوشایند بین زوجین شکل گرفته و این رابطه گرم، صمیمانه و پایا بین زن و مرد است که برای هر دو رضایت بخش و مایه خوشی بین افراد باشد. دلبستگی دارای سه بعد و یا به عبارتی دارای سه سبک است (مظاهری، ۱۳۸۱). الف) سبک دلبستگی ایمن: در دسترس بودن و پاسخگویی عاطفی، بلوک‌های سازنده روابط ایمن. افراد دارای این سبک برایشان آسان است که با دیگران ارتباط برقرار کنند و از اینکه به دیگران تکیه کنند و اجازه دهند که دیگران به آنها تکیه کنند احساس راحتی می‌کنند. این افراد از اینکه دیگران آنها را ترک کنند و یا خیلی به آنها نزدیک شوند احساس نگرانی می‌کنند (نوری‌زاده، ۱۳۸۹). ب) سبک دلبستگی اجتنابی: افراد دارای این نوع سبک دلبستگی به سختی می‌توانند با دیگران روابط نزدیک و صمیمی برقرار کنند. این افراد به شدت به خودشان متکی بوده و اگر کسی بخواهد به آنها خیلی نزدیک شود، برآشفته می‌شوند (غنی‌آبادی، ۱۳۸۹). ج) سبک دلبستگی مضطرب یا دوسوگرا: افراد دارای این سبک، کسانی هستند که احساس می‌کنند دیگران مایل نیستند آنقدر که آنها دوست شده و با آنان رابطه نزدیک داشته باشند. آنها اغلب نگرانند که همسرشان واقعاً آنها را دوست نداشته باشد (مظاهری، ۱۳۸۱).

بالبی (۱۹۷۹)، معتقد بودند نظام دلبستگی تحت شرایط تنیدگی مثلاً وقتی که فرد، بیمار، خسته و یا ترسیده است به قوی‌ترین شکل خود فعال می‌شود. وست و شلدون کالر (۱۹۹۹) دلبستگی بزرگسالان را به عنوان روابط دو به دویی تعریف کرده که همجواری با یک شخص ویژه و ترجیح داده شده، منجر به دست یافتن به، یا حفظ شدن احساس ایمنی می‌گردد (رضایی و رستمی، ۱۳۸۸). برمن و اسپرلینگ (۱۹۹۸)، دلبستگی بزرگسالان را به این صورت تعریف کرده است: دلبستگی بزرگسالان گرایش

پایدار شخص است به تلاش ویژه برای دست یافتن به، یا حفظ همجواری و ارتباط با یک یا چند شخص خاص که توانایی فراهم آوردن سلامت و امنیت جسمی و روان‌شناختی او را دارا می‌باشند. ویس (۱۹۹۹)، دلبستگی بزرگسالان را به عنوان ایجاد یک پیوند، توسط یک بزرگسال دیگر که در جنبه‌های اساسی و مهم در واقع، مشابه دلبستگی است که کودکان نسبت به مراتب اصلی خود ایجاد می‌کنند (رستمی، ۱۳۸۸).

گروهی روابط خویشاوندی را که بر اساس همخونی متکی است، مبدأ تشکیل خانواده می‌دانند و خانواده را هسته اولیه تشکیل جامعه می‌پندارند (فرجاد، ۱۳۷۲). تشکیل خانواده و ارتباط زناشویی با ازدواج آغاز می‌شود. ازدواج، پدیده‌ای است که می‌تواند باعث آرامش و سلامت روانی زن و مرد باشد، چنان که می‌تواند به جایی برسد که به جای تأمین انرژی روانی زوجین، انرژی روانی زیادی از آنان بگیرد و باعث بروز انواع اختلالات روانی شود (گلناز و همکاران، ۱۳۸۵). امروزه جایگاه خانواده در کشورهای پیشرفته دچار تغییراتی شده است. این تغییرات زمینه بسیاری از ناسازگاری‌ها و تعارضات زناشویی فراهم می‌آورد. بنا به گزارش جامعه شناسان و روانشناسان در سال‌های اخیر احساس امنیت، آرامش و روابط صمیمانه میان زنان و مردان به سستی گراییده است و خانواده‌ها به گونه‌ای فزاینده با نیروهای ویرانگر روبرو شده‌اند (ستوده، ۱۳۷۴). به طور کلی باتوجه به دیدگاه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، چند عامل بر ساختار کانون ازدواج اثر مستقیم و مهم دارند که عبارتند از: شخصیت طرفین در ازدواج، سبک دلبستگی زن و مرد، هماهنگی و همسانی نیازهای بنیادی زوجین، باورهای ارتباطی، انتظارات غیرمنطقی از یکدیگر. رضایت‌مندی زناشویی پیامد توافق زناشویی است و به صورت درونی احساس می‌شود. اصطلاح توافق زناشویی، رابطه مناسب زن و شوهر را توصیف می‌کند (حیدری، ۱۳۸۵). سازگاری و رضایت‌مندی زناشویی حالتی است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن، احساس شادمانی و رضایت دارند.

فاتحی‌زاده و احمدی (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایت‌مندی زناشویی» که روی زوجین شاغل در دانشگاه، انجام دادند، نتیجه گرفتند که در هر دو گروه زنان و مردان همبستگی بیشتر بین رابطه سازنده متقابل و رضایت‌مندی، هم چنین همبستگی بین رضایت‌مندی زناشویی و ارتباط اجتنابی متقابل منفی است. رضازاده (۱۳۹۱)، در پژوهشی با موضوع رابطه سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های ارتباطی با همسازی زناشویی در دانشجویان؛ دریافت که، بین سبک‌های دلبستگی زوجین رابطه وجود داشته و همچنین تفاوت همسازی زناشویی زوج‌های دلبسته ایمن در مقایسه با زوج‌های نا ایمن (با استفاده از آزمون t مستقل) در ۳ مقیاس از مقیاس‌های آزمون همسازی مشاهده شد ولی در ۹ مقیاس دیگر تفاوت بین دو گروه از لحاظ آماری معنادار نبود. در نمره کل مقیاس‌ها، تفاوت همسازی زوج‌های ایمن در مقایسه با نایمن معنادار بود.

سپاه‌منصور و مظاهری (۱۳۸۵)، در پژوهشی تحت عنوان مقایسه مؤلفه‌های سبک‌های عشق بین افراد متأهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی، که روی ۵۰ زوج مراجعه کننده به مراکز خدمات مشاوره‌ای انجام شد، نشان دادند که افزایش صمیمیت و لذت در تعاملات زوجین می‌تواند موجب رضایت بیشتر از روابط زناشویی گردد و تعهد به تنهایی موجب بروز رضایت زناشویی نمی‌شود.

کامکار و جباریان (۱۳۸۵)، نیز در پژوهشی تأثیر صمیمیت در اختلافات زناشویی را بر ۳۰ زن متأهل که به قصد طلاق و جدایی به مراجع ذیربط مراجعه کرده بودند، بررسی نمودند و نشان دادند که ۵۷٪ اختلال در روابط زناشویی به دلیل اختلال در روابط عاطفی و صمیمی بین زوجین بوده است. همچنین در پژوهشی طولی تحت عنوان «پیش‌بینی کننده‌های سازگاری زناشویی زوج‌های جوان چهار سال پس از ازدواج، نشان داده شد که عوامل «نارسا کنش‌وری شوهران» به صورت منفی و «زنانگی مردان» و «زنانگی زنان» هر دو به صورت مثبت، به طور معناداری سازگاری زناشویی مردان را چهار سال بعد از اندازه‌گیری اولیه، پیش‌بینی می‌کردند. این در حالی است که «اضطراب مردان» و «افسردگی زنان» هر دو به صورت منفی، و عوامل «افسردگی مردان» و «زنانگی زنان» به طور معنادار سازگاری زنان را در چهار سال بعد پیش‌بینی می‌کردند.

مطالعات بلو، براندو، براونورا گسدل (۲۰۰۸)، ولمنز، بایس، هین، ایسل رودمی‌تنار (۲۰۰۷)، نشان دهنده این امر است که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

کریستینا، فیلیپ‌هاوانگ، برژیتا و ویکبرگ (۲۰۰۶)، دریافتند که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار و بین سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی و رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد.

حافظی و جامعی‌نژاد (۱۳۸۹)، و مردانی‌حموله و حیدری (۱۳۸۹)، در مطالعه خود نشان دادند که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار و سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا و رضایت زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

کوباکوهزن (۲۰۱۱)، و بارت، تایلر، و ارثینگتون، و فورسیت (۲۰۰۶)، در بررسی‌های خود دریافتند که سبک دلبستگی ایمن با سازگاری زناشویی بهتر و تعارض کمتر، ارتباط صمیمانه میان همسران و تنظیم هیجانی بهینه همراه است.

بشارت (۱۳۸۶)، در پژوهش خود نشان داد که زوج‌هایی که دارای دلبستگی ایمن همسو وابستگی، اعتماد، تعهد و رضایت زناشویی بیشتری داشته و زوج‌های دارای دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا مشکلات بیشتری در روابط زناشویی دارند.

فینی (۲۰۱۲)، در مطالعه خود نتیجه گرفت که نزدیک‌جویی شدید افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا آشکارا با خصیصه فاصله‌گزینی از سوی افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی در تعارض است. و افراد دوسوگرا در هنگام تعارض، افراد مقابل را مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهند، در حالی که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در هنگام بروز تعارض، حمایت‌کننده و کمتر طردکننده هستند و به شنودگانی قابل، تبدیل خواهند شد.

کمپل، سیمپسون، بلدیوکشی (۲۰۰۵)، و کرامر (۲۰۱۲)، دریافتند که افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی تعارض زناشویی بیشتری نسبت به افراد دلبسته ایمن دارند.

سیمپسون، روهلزوفیلیس (۲۰۱۶)، در پژوهش خود نشان داد که دلبستگی ایمن ارتباط بهتر، درک بیشتر و پرخاشگری کمتر را در هنگام بروز تعارض در روابط رومانتیک پیش‌بینی می‌کند.

خسروی، بلیاد، ناهیدپور و آزادی (۱۳۹۰)، در مطالعه خود نشان دادند که بین سبک‌های دلبستگی و تعارض زناشویی رابطه معنادار وجود داشته و میزان تعارض زناشویی در زوج‌هایی که سبک دلبستگی هر دوی آنها ایمن است، کمتر است.

نظری (۱۳۹۲)، در مطالعه خود با موضوع بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با تعارضات زناشویی با واسطه‌گری متغیرهای جمعیت‌شناختی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره، نشان داد که متغیرهای جمعیت‌شناختی (مانند سن و تحصیلات)، نقش واسطه‌ای بین سبک‌های دلبستگی با تعارضات زناشویی از خود نشان می‌دهند.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه با روش توصیفی - همبستگی با جامعه آماری زنان (والدین دانش‌آموزان دوره متوسطه) شهر قم و نمونه آماری در دسترس انجام شد. ابزار اندازه‌گیری شامل سه پرسش‌نامه استاندارد «سبک‌های دلبستگی» هازن و شیور، «سازگاری زناشویی» اسپانیر و «کمال‌گرایی» فراست، بود.

مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان: این مقیاس با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور ساخته شده و در دانشگاه تهران هنجاریابی شده است. این پرسشنامه ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت می‌سنجد. ضرایب آلفای کرونباخ در زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا؛ به ترتیب آقایان ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۹ و برای خانم‌ها ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۵ گزارش شده که حاکی از همسانی درونی مطلوب برای مقیاس است. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱، ۰/۵۷ (خسروشاهی و همکاران، ۱۳۸۹).

مقیاس سازگاری زناشویی: سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس ناشی خوشبختی و رضایت از همدیگر را دارند، که این روابط رضایت بخش بین زوجین، از طریق علاقه‌ی متقابل، میزان مراقبت از همدیگر، پذیرش و تفاهم یکدیگر قابل اندازه‌گیری می‌باشد. در واقع سازگاری زناشویی یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط را ارائه می‌دهد (ابوالقایی، حیدریان، شادمند و نجابی (۱۳۷۷). این پرسشنامه توسط اسپانیر (۱۹۷۶)، طراحی شده و دارای ۳۰ سوال است که در یک طیف شش درجه‌ای (همیشه موافق - تقریباً همیشه موافق - بعضی اوقات ناموافق - اغلب ناموافق - تقریباً همیشه ناموافق - همیشه ناموافق)، و در چهار مولفه (۱) توافق دوتایی، (۲) رضایت دوتایی، (۳) همبستگی دوتایی، (۴) ابراز محبت،

طراحی شده است. در پژوهش شادبخش، ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه بالاتر از ۰/۷۰ گزارش شده که نشان از هماهنگی درونی گویه‌های آن و پایایی آن در حد مطلوبی است (شادبخش، ۱۳۹۳).

مقیاس کمال‌گرایی: این پرسشنامه توسط فراست و همکاران (۱۹۹۰)، بر پایه مدل چندبعدی کمال‌گرایی، ساخته شد. شامل دو مؤلفه اصلی مثبت و منفی و چهار مولفه فرعی با طیف لیکرت (۱= کاملاً موافق تا ۵= کاملاً مخالف) طراحی شده است (رم، ۲۰۰۵). مولفه‌ها شامل دو بعد کمال‌گرایی «مثبت» و «منفی» و چهار مولفه «نگرانی افراطی درباره اشتباهات» «**CM**»؛ «درک شخص از انتقادات والدین» «**PC**»؛ «درک شخص از انتظارات والدین» «**PE**»؛ «تمایل به شک و تردید» «**DA**»؛ برای «کمال‌گرایی منفی» و «گرایش به نظم و سازمان یافته بودن» «**O**»؛ «معیارهای عملکرد شخصی» «**PS**»؛ برای «کمال‌گرایی مثبت». نمره کمال‌گرایی کل از مجموع پنج زیر مقیاس از شش زیرمقیاس به استثنای زیرمقیاس نظم به دست می‌آید (رم، ۲۰۰۵). ضریب آلفای کرونباخ برای کمال‌گرایی کل ۰/۹۰، و برای خرده مقیاس‌های نگرانی از اشتباه ۰/۸۸، انتظارات والدین ۰/۸۴، انتقاد والدین ۰/۸۴، شک و تردید در عمل ۰/۷۷، معیارهای شخصی ۰/۸۳ و سازماندهی ۰/۹۳ گزارش شده است (فراست و همکاران، ۱۹۹۰). این ابزار از اعتبار بالایی برخوردار بوده و در نسخه فارسی، اعتبار این پرسشنامه به روش همسانی درونی محاسبه شده و ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۸۵، نگرانی افراطی درباره اشتباهات ۰/۸۳، درک شخص از انتقادات والدین ۰/۶۶، درک شخص از انتظارات والدین ۰/۷۳، تمایل به شک و تردید ۰/۷۰، گرایش به نظم و سازمان یافته بودن ۰/۸۸ و معیارهای عملکرد شخصی ۰/۶۷، برای کمال‌گرایی مثبت، ۰/۸۲ و کمال‌گرایی منفی، ۰/۸۶ گزارش شده است (نیکنام و همکاران، ۱۳۸۹).

یافته‌ها

جدول ۱ آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) متغیرها

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	تعداد مشاهده
مقیاس کلی سبک‌های دلبستگی	65.33	10.379	277
مقیاس کلی سازگاری زناشویی	60.83	13.115	277
سبک دلبستگی ایمن	35.56	11.241	277
سبک دلبستگی اجتنابی	67.53	15.677	277
سبک دلبستگی دوسوگرا	37.01	11.581	277
مقیاس کلی کمال‌گرایی	64.69	15.593	277
کمال‌گرایی مثبت	58.57	17.239	277
کمال‌گرایی منفی	41.40	8.910	277

بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین مقیاس سبک‌های دلبستگی از میانگین مقیاس کمال‌گرایی، بیشتر است. به عبارت دیگر، زنان به سبک‌های دلبستگی بیشتر از کمال‌گرایی توجه دارند.

جدول ۲ ماتریس همبستگی تک متغیره متغیرها

متغیرها	آماره‌ها	مقیاس کلی سبک‌های دلبستگی	مقیاس کلی سازگاری زناشویی	سبک دلبستگی ایمن	سبک دلبستگی اجتنابی	مقیاس کلی کمال‌گرایی	کمال‌گرایی مثبت	کمال‌گرایی منفی
مقیاس کلی سبک‌های دلبستگی	میزان همبستگی	1	.406	.490	.721	.457	.329	.275
	سطح معناداری		.000	.000	.000	.000	.000	.000
	تعداد مشاهده	277	277	277	277	277	277	277

مقیاس کلی سازگاری زناشویی	میزان همبستگی	.406	1	.249	.352	.035	.892	.822
	سطح معناداری	.000		.000	.000	.562	.000	.000
	تعداد مشاهده	277	277	277	277	277	277	277
سبک دلبستگی ایمن	میزان همبستگی	.490	.249	1	-.048	.176	.207	.109
	سطح معناداری	.000	.000		.423	.003	.001	.070
	تعداد مشاهده	277	277	277	277	277	277	277
سبک دلبستگی اجتنابی	میزان همبستگی	.721	.352	-.048	1	-.104	.252	.285
	سطح معناداری	.000	.000	.423		.083	.000	.000
	تعداد مشاهده	277	277	277	277	277	277	277
سبک دلبستگی دوسوگرا	میزان همبستگی	.457	.035	.176	-.104	1	.081	.002
	سطح معناداری	.000	.562	.003	.083		.181	.968
	تعداد مشاهده	277	277	277	277	277	277	277
مقیاس کلی کمالگرایی	میزان همبستگی	.329	.892	.207	.252	.081	1	.573
	سطح معناداری	.000	.000	.001	.000	.181		.000
	تعداد مشاهده	277	277	277	277	277	277	277
کمال گرایی مثبت	میزان همبستگی	.275	.822	.109	.285	.002	.573	1
	سطح معناداری	.000	.000	.070	.000	.968	.000	
	تعداد مشاهده	277	277	277	277	277	277	277
کمال گرایی منفی	میزان همبستگی	-.291	.129	-.149	-.311	.047	.386	.021
	سطح معناداری	.000	.032	.013	.000	.437	.000	.731
	تعداد مشاهده	277	277	277	277	277	277	277

بر اساس نتایج به دست آمده از ماتریس همبستگی، بین مقیاس سبک‌های دلبستگی با مقیاس سازگاری زناشویی و مقیاس کمال گرایی رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد، وجود دارد.

جدول ۳ همبستگی چندگانه و ضریب تعیین متغیرها

متغیرها	همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	استاندارد خطای برآورد	آماره F مدل	سطح معناداری مدل
مقیاس سازگاری زناشویی مقیاس کمال گرایی	.408	.166	.160	9.512	27.319	.000

بر اساس نتایج به دست آمده از همبستگی چندگانه و ضریب تعیین؛ بین مقیاس سبک‌های دلبستگی با مقیاس سازگاری زناشویی و مقیاس کمال‌گرایی در زنان ۰/۴۰ همبستگی چندگانه وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین به دست آمده، مقیاس سازگاری زناشویی و مقیاس کمال‌گرایی در زنان قادرند به میزان ۱۶ درصد از تغییرات مقیاس سبک‌های دلبستگی را تبیین کنند. بر اساس آماره **F** به دست آمده، مدل همبستگی با اطمینان ۹۹ درصد، معنادار است.

جدول ۴ ضرایب مدل رگرسیون متغیرها

متغیرها	ضرایب B استاندارد نشده	ضرایب خطای استاندارد	ضرایب بتای استاندارد شده	آماره T	سطح معناداری
مقیاس سازگاری زناشویی	.179	.074	.228	2.437	.015
مقیاس کمال‌گرایی	.131	.061	.201	2.145	.033
متغیر وابسته: سبک‌های دلبستگی					

بر اساس نتایج به دست آمده، ضرایب بتای مدل معنادار است. مقیاس سازگاری زناشویی، با بتای ۱۷ درصد و مقیاس کمال‌گرایی با بتای ۱۳ درصد، توسط سبک‌های دلبستگی در زنان، قابل پیش‌بینی است.

نتیجه‌گیری

خانواده نهادی کوچک اما با تأثیرات زیاد، منبعی است قابل توجه که امروزه دانشمندان و محققان حوزه روانشناسی و خانواده، آن را مطالعه و بررسی می‌کنند. خانواده با روابط بسیار ساده افراد آن و با تعهدی که بین آنها شکل می‌گیرد، ایجاد می‌گردد. رابطه اولیه‌ای که در خانواده شکل می‌گیرد مولفه‌های جدیدی را در بین افراد آن ایجاد می‌کند. مولفه‌هایی همانند «کمال‌گرایی»، «سازگاری زناشویی» و «سبک دلبستگی».

هدف این مطالعه بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی با کمال‌گرایی در زنان بود. جامعه آماری پژوهش شامل زنان شهر قم که به صورت داوطلب و به صورت در دسترس در پژوهش حاضر شرکت کردند. این مطالعه به روش توصیفی - همبستگی با سه پرسش‌نامه مربوط به مقیاس‌های «کمال‌گرایی»، «سازگاری زناشویی» و «سبک دلبستگی»، انجام شد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که؛ بین مقیاس سبک‌های دلبستگی با مقیاس سازگاری زناشویی و مقیاس کمال‌گرایی رابطه معناداری، وجود دارد. بین مقیاس سبک‌های دلبستگی با مقیاس سازگاری زناشویی و مقیاس کمال‌گرایی در زنان ۰/۴۰ همبستگی چندگانه وجود داشته و بر اساس ضریب تعیین به دست آمده، مقیاس سبک‌های دلبستگی قادر است سازگاری زناشویی و کمال‌گرایی به میزان ۱۶ درصد، در زنان تبیین کنند. ضرایب بتای مدل معنادار بوده و مقیاس سازگاری زناشویی، با بتای ۱۷ درصد و مقیاس کمال‌گرایی با بتای ۱۳ درصد، توسط سبک‌های دلبستگی در زنان، قابل پیش‌بینی است.

یافته‌های مطالعات بالبی (۱۹۷۹)، وست و شلدونکالر (۱۹۹۹)، برمن و اسپرلینگ (۱۹۹۸)، ویس (۱۹۹۹)، فاتحیزاده و احمدی (۱۳۹۴)، رضازاده (۱۳۹۱)، سپاهمنصور و مظاهری (۱۳۸۵)، کامکار و جباریان (۱۳۸۵)، حافظی و جامعی‌نژاد (۱۳۸۹)، مردانی‌حموله و حیدری (۱۳۸۹)، کوباکوهزن (۲۰۱۱)، بارت، تایلر، و ارثینگتون، وفورسیت (۲۰۰۶)، بشارت (۱۳۸۶)، فینی (۲۰۱۲)، سیمپسون، روهلزوفیلیپس (۲۰۱۶)، خسروی، بلیاد، ناهیدپور و آزادی (۱۳۹۰)، نظری (۱۳۹۲)؛ یافته‌های این مطالعه را تأیید می‌کنند.

در مجموع یافته‌های این مطالعه نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی و کمال‌گرایی در زنان رابطه معناداری وجود دارد. در کل تأثیر سازگاری زناشویی نسبت به کمال‌گرایی در تغییرات سبک‌های دلبستگی، بیشتر است. بنابراین برنامه‌ریزان برنامه‌های آموزشی در آموزش سبک‌های دلبستگی در زنان باید به سازگاری زناشویی توجه بیشتری نمایند.

منابع و مراجع

- [۱] آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۲). تهیه و ساخت آزمون جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۲] آرمین، م.، سهرابی، ن.، & کاظمی، س. (۱۳۹۰). رابطه ابعاد کمال‌گرایی والدین با عزت‌نفس و خودکارآمدی فرزندان. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲(ویژه‌نامه)، ۲۸-۱۵.
- [۳] آقامحمدیان شعراف، ح.، زارع زاده خیبری، ش.، حکم‌آبادی، م.، & حروف قناد، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی با عملکرد جنسی زنان نابارور. مجله زنان مامایی و نازایی ایران، ۱۷(۹۷)، ۹-۱۷.
- [۴] آقامحمدیان شعراف، حمیدرضا (۱۳۸۱)، بررسی سبک و ابعاد دلبستگی بزرگسالان در تجاوزگران جنسی و مقایسه آن با افراد عادی، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی.
- [۵] آقاییوسفی، علیرضا و دیگران (۱۳۸۶). روانشناسی عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- [۶] احمدی، خدابخش و دیگران، (۱۳۸۵). «بررسی رابطه تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی» خانواده پژوهی، سال دوم، شماره ۵، ص ۵۵-۶۷.
- [۷] اسماعیلی‌فارسانی، بهمن (۱۳۷۴). بررسی ارتباط بین خویشتن‌پنداری و رضایت از زندگی زناشویی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و آزاد اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (رشته مشاوره). تهران، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم تربیتی.
- [۸] بشارت، م.، جوشن‌لو، م.، & میرزمانی، س. (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های دلبستگی و کمال‌گرایی دانشور، کارشناسی ارشد پایان‌نامه ۱۴(۲۵)، ۱۱-۱۸.
- [۹] بشارت، محمدعلی (۱۳۹۰)، نقش واسطه‌ای مکانیسم دفاعی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ناگویی‌هیجانی، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، سال ۶ شماره ۱.
- [۱۰] بهادری خسروشاهی، ج.، هاشمی نصرت‌آباد، ت.، & بیرامی، م. (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری با گرایش به مصرف مواد فصلنامه اعتیاد پژوهی مصرف مواد، ۱۴(۴)، ۱۷-۳۰.
- [۱۱] بهرامی احسان، هادی (۱۳۹۱). «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، اضطراب، و حرمت خود»، روان‌شناسی، سال ششم، ش ۴.
- [۱۲] بهرامی احسان، هادی؛ تاشک، آناهیتا (۱۳۸۹). «ابعاد رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت‌گیری مذهبی»، روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۴، ش ۲.
- [۱۳] بی‌طرف، ش.، شعیری، م. ر.، حکیم‌جوادی، م. (۱۳۸۹). هراس اجتماعی، سبک‌های والدگری و کمال‌گرایی. روانشناسی تحولی روانشناسی ایرانی پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ۷(۲۵)، ۷۵-۸۲.
- [۱۴] تقی‌یاره، فاطمه و همکاران (۱۳۹۱). «بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا، و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان»، مجله روان‌شناسی، ۳۳، سال نهم، شماره ۱، ص ۲۱-۳.
- [۱۵] ثنایی، باقر (۱۳۷۹)، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: موسسه انتشارات بعثت.
- [۱۶] چناری، م. (۱۳۸۷). مقایسه خودپنداره دانش‌آموزان واجد والدین دارای نگرش‌های تربیتی مثبت و منفی با توجه به جنسیت دانش‌آموزان. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۲(۴)، ۹۱-۱۱۰.
- [۱۷] حاتم‌پور، زهرا، ابوالفضل، هاشم‌آبادی، بهرام، اسماعیلی، معصومه، فرحبخش، کیوموثر (۱۳۹۰)، رابطه بین سبک فرزند‌پروری-دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم شماره سوم.
- [۱۸] حاجی سیدتقی‌تقوی، ز.، & پیوسته‌گر، م. (۱۳۹۴). مقایسه سطوح کمال‌گرایی مادر با پیوند والدین. مطالعات روان‌شناختی پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۱(۲)، ۴۷-۶۶.

- [۱۹] حسین پور، فاطمه (۱۳۸۹)، نشریه دفتر مرکزی مشاوره علوم و مرکز مشاوره دانشگاه تهران، شماره ۹۹ سال دهم.
- [۲۰] حقیقت منش، الهه، حمیدرضا، قنبری، هاشم آبادی، بهرام، علی، مهران، بهروز (۱۳۸۹)، بررسی سبک و ابعاد دلبستگی بزرگسالان در تجاوزگران جنسی و مقایسه آن با افراد عادی، مطالعات تربیتی و روان شناسی.
- [۲۱] حیدری، مجتبی (۱۳۸۹). بررسی رابطه جهت گیری مذهبی و رضامندی از زندگی زناشویی در خانواده های معلمان مرد شهرستان قم، پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- [۲۲] خدایاری فرد، محمد و دیگران، (۱۳۸۶)، رابطه نگرش مذهبی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل (خانواده پژوهی)، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۶۱۱-۶۲۰.
- [۲۳] رسولی، رویا (۱۳۹۱). بررسی و مقایسه ای که در رابطه با جهت گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی با سازگاری زناشویی در طلاب و دانشجویان، فصلنامه خانواده پژوهی، سال هشتم، زمستان، شماره ۳۲.
- [۲۴] ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ چهارم.
- [۲۵] ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- [۲۶] سلیمانیان، ع.ا. (۱۳۷۳)، بررسی تاثیر فکرات غیرمنطقی (براساس رویکرد شناختی) بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره (چاپ نشده) دانشگاه تربیت معلم تهران.
- [۲۷] شریفی درآمدی، پرویز، نیکنام، ماندانا، گیوه چی، الناز (۱۳۹۰). بررسی رابطه کمال گرایی مادران و دختران: پدیده انتقال بین نسلی، فصلنامه خانواده پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۸.
- [۲۸] صفایی، ص. (۱۳۸۹). رابطه خودپنداره مادر با سبک دلبستگی و خودپنداره فرزند سمنان: پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سمنان؛ ۱۳۸۹.
- [۲۹] صلحی، جواد و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۲). نقش زندگی مذهبی در رضامندی زناشویی زوجین، روانشناسی و دین، شماره دوم، ص ۷۵-۹۰.
- [۳۰] عطاری، یوسفعلی، سرچشمه ابوالفضل، مهربانی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۵)، بررسی روابط ساده و چندگانه نگرش مذهبی، خوشبینی و سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی در مردان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز، مجله علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۱.
- [۳۱] غفوری، سمانه، و دیگران (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی روش بخشودگی مبتنی بر درمان های معنوی - مذهبی در کاهش تعارضات زناشویی، فصلنامه پژوهش های روانشناختی، سال ششم، زمستان، شماره ۲۴.
- [۳۲] غنی آبادی، کاظم (۱۳۸۹)، نشریه دفتر مرکزی مشاوره علوم و مرکز مشاوره دانشگاه تهران، شماره ۹۹ سال دهم
- [۳۳] فتوحی بناب، سکینه (۱۳۸۸). بررسی رابطه جهت گیری مذهبی و سازگاری زناشویی، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه تبریز، سال چهارم، تابستان، شماره چهارده.
- [۳۴] قهاری، شهربانو (۱۳۸۹)، نشریه دفتر مرکزی مشاوره علوم و مرکز مشاوره دانشگاه تهران، شماره ۹۹ سال دهم
- [۳۵] کدیور، پروین (۱۳۸۵). روانشناسی تربیتی تهران: انتشارات سمت.
- [۳۶] کرین، ویلیام (۱۳۹۲). نظریه های رشد، ترجمه غلامرضا خوی نژاد، تهران: انتشارات رشد.
- [۳۷] کیانی، احمدرضا (۱۳۸۹). «بررسی رابطه ابعاد جهت گیری مذهبی و مرزهای ارتباطی خانواده های شهرستان نکا»، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۳۸] مظاهری، محمدعلی (۱۳۸۱)، نقش دلبستگی بزرگسالان (زنان و مردان) در کنش وری ازدواج، مجله روان شناسی، شماره ۱۵ سال چهارم.

- [۳۹] نجار، ز. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط سبک‌های دلبستگی دینی و سلامت روانی دانشجویان ایرانی با سبک‌های دلبستگی والدین خود. (دکتری روانشناسی)، دانشگاه تربیت مدرس، پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران.
- [۴۰] نجفی، حسین (۱۳۸۶). بررسی رابطه جهت گیری مذهبی با رضایت زناشویی و صمیمیت زناشویی معلمان دبیرستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، تهران، دانشگاه تهران.
- [۴۱] نوروزی، اسدالله (۱۳۹۱). رابطه کمال گرایی و کیفیت زندگی با اهمال کاری تحصیلی دانشجویان دانشگاه اشراق شهر هرات، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- [۴۲] نوری‌زاده، مریم (۱۳۸۹)، نشریه دفتر مرکزی مشاوره علوم و مرکز مشاوره دانشگاه تهران، شماره ۹۹ سال دهم.
- [۴۳] نویدیان علی سالار علیرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه احساس بیگانگی و خودپنداری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان در سال تحصیلی ۷۸-۷۹ پایان نامه کارشناسی ارشد. طب و تزکیه، شماره ۴۳، صفحات ۱۰ تا ۱۹.
- [۴۴] واحدی، ش.، & مرادی، س. (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های دلبستگی پدر و مادر با سازگاری هیجانی، رفتاری و اجتماعی در دانشجویان غیربومی سال اول اصول بهداشت روانی. پایان نامه کارشناسی ارشد ۱۱ (۳)، ۲۲۳-۲۳۲.
- [۴۵] ولی‌نوری، ابوالفضل (۱۳۷۳). رابطه بین احساس بیگانگی و خودپنداره. پژوهش‌های روانشناختی، دوره ۳، شماره ۱ و ۲، صفحات ۲۰ تا ۳۱.
- [46] Alvarado, K. A., Templer, D. L., pesler, C., and Thomas, D. C. (1995). The Relationship of Religious Variables to Death Anxiety. *Journal of Clinical Psychology*, 51(2), 202-204.
- [47] and depression, focus on neuro endocrine regulation. *American Journal of Psychiatry*, 144, 9-16.
- [48] Argyle, M. (2000). *Psychology and Religion: An introduction*. London: Routledge.
- [49] Bergin, A. E.; Stinchfield, R. D.; Gaskin, T. A.; Masters, k. S.; & Sullivan, C. E.; (1988). Religious life styles and mental health: An exploratory study. *Journal of Counseling Psychology*, 35, 91-98.
- [50] Blatt S. J. (1995). The destructiveness of perfectionism. Implications for the treatment of depression. *Am Psychol*, 50(12), 1003-1020.
- [51] Calapess, J. (1987). Alternation in immunocompetence during stress, bereavement.
- [52] Cooper smith, S. (1967). *The antecedents of Self-esteem*. San Francisco. W.H. Freeman.
- [53] Davis, C. (1997). Normal and neurotic perfectionism in eating disorders: An interactive model. *International Journal of Eating Disorders*, 22(4), 421-426. doi: 10.1002/(SICI)1098-108X(199712)22:4<421:AID-EAT7>3.0.CO;2-O
- [54] Ddlin, G.; Gilanty, E; & pown, K.M. (1999) *Health and Wellness* (6th ed.), Sudbury: Jones & Barther Publisher.
- [55] Ellis, A. (1980). Psychotherapy & atheistic values: A response to A. E. Bergin's "Psychotherapy & Religious values." *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 48: 635-645, 639-642 .
- [56] Frost R O, Marten P A, Lahart C, & Rosenblate R. (1990). The dimensions of perfectionism. *Cognitive Therapy and Research*, 14, 449-468.
- [57] Galanter, M. (1982). Charismatic religious sects and Psychiatry, an overview. *American Journal of Psychiatry*, 139, 1539-48.
- [58] Gorsach, R. L. (1988) *Psychology of religion*. *Annual review of psychology*. vol: 39, PP: 201-221.
- [59] Koenig, H. G. & Larson, d. B. (2001). Religion and mental health: Evidence for an association. *International Review of Psychiatry*, 13, 67-68.

- [60] Koenig, H.G., Cohen, H. J., Blazer, D. G., Pieper, C., Meador, K. G., Shelp, F., Goli, V., & Dipasquale, B. (1992). "Religious coping and depression among elderly, hospitalized medically ill men. *American Journal of Psychiatry*, 149, 1693-1708
- [61] Lowell S, & Limke A. (2009). Adult Romantic Attachment and Types of Perfectionism *Journal of Scientific Psychology*, 18-23.
- [62] Monat, A., Lazarus, R. S. (1985). *Stress and Coping: An introduction*. New York: Colombia University Press.
- [63] Naderi S, Bagheri M, Darekordi A, & Sardouei Gh. (2014). The relationship between maternal attachment styles and adjustment of students according to the educational level of parents. *Journal of Personality & Individual Differences*, 3(5), 105-123.
- [64] Nealman, J. & Persaud, R. (1995). Why do Psychiatrists Neglect Religion. *British Journal of medical Psychology*. 68: 169-178.
- [65] Niknam Marziyeh, Fararoui Mohammad, Kamkar Ali, Fouladi Narges, & Mohamadi Ali. (2012). Comparison Of Perfectionism In People Who Have Cosmetic Rhinoplasty Surgery And Control Group In Yasouj City. *Payavad Salamat Journal*, 6(1), 52-60.
- [66] Pargament, K. I.(1990). God help me (I): Religious coping efforts as predictions of the outcomes to significant negative life events. *American Journal of Community Psychology*, 18: 793-824 -
- [67] Pargament, K. I.; Kenneth, J.; Hathaway, W.; Grerengood, N.; Newman, J. & Jones, W. (1988). Religion and the problem solving process: Three styles of coping. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 24, 90-94.
- [68] Parker WD, & Adkins KK. (1995). A psychometric examination of the multidimensional perfectionism scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 17(4), 323-334.
- [69] Parker, W. D. (1997). An empirical typology of perfectionism in academically talented children. *American Educational Research Journal*, 34(3), 545-562.
- [70] Pishva, N., & Besharat, M. A. (2011). Relationship Attachment Styles with Positive and Negative Perfectionism. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 402-406.
- Rahmanian Z, Mirzaian B, & R, H. (2012). The Relationship between Social Anxiety and Self-concept among Fifth Grade Female Students in Jahrom, Iran. *J Kerman Univ Med Sci*, 19(5), 502-510.
- [71] Saraswat,R.(1984). Self-concept Questionnaire,National psychological cooperation, India.
- [72] Stackert, R. A., & Bursik, K. (2003). Why am I unsatisfied? Adult attachment style, gendered irrational relationship beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 34(8), 1419-1429
- [73] Zarezadeh-Kheibari Sh, Rafienia P, & Asghari-Nekah M. (2014). The Effectiveness of Expressive Art Group Therapy on Increasing Behavioral and Emotional Components of Self-Concept of Children in Family-Like Community Centers. *Journal of Clinical Psychology*, 6(2), 41-52.